[خطبه‌ی اول 3](#_Toc456607678)

[تفسیر سوره‌ی عصر 3](#_Toc456607679)

[خواندن سوره‌ی عصر هنگام ملاقات یکدیگر در زمان پیامبر اسلام 3](#_Toc456607680)

[انواع قسم‌ها در قرآن 4](#_Toc456607681)

[احتمالات در معنای کلمه‌ی عصر 4](#_Toc456607682)

[مقصود از انسان در آیه‌ی شریفه 5](#_Toc456607683)

[تاکیدهای پشت سر هم در آیه 5](#_Toc456607684)

[یک روش تربیتی 5](#_Toc456607685)

[معانی کلمه‌ی خسر 6](#_Toc456607686)

[حالت‌های سه‌گانه یک معامله 6](#_Toc456607687)

[مقصود اصلی خسر از حالات سه گانه 7](#_Toc456607688)

[عمر، مهم‌ترین سرمایه‌ی انسانی 7](#_Toc456607689)

[استفاده از عمر برای عبادت الهی 8](#_Toc456607690)

[دو اصل بی‌تردید: وابستگی حیات انسانی به زمان و بی‌توقفی زمان 8](#_Toc456607691)

[هزینه‌ی عمر در راه‌های مختلف 9](#_Toc456607692)

[معامله‌ی عمر با خدای متعال 9](#_Toc456607693)

[هشدارهای الهی به انسان 9](#_Toc456607694)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc456607695)

[آمادگی برای ماه مبارک رمضان 11](#_Toc456607696)

[مراقبت‌های اخلاقی عملی ویژه‌ی ماه مبارک رمضان 11](#_Toc456607697)

[قرائت قرآن یکی از تعالیم مهم ماه مبارک رمضان 12](#_Toc456607698)

[اعمال ویژه‌ی ماه مبارک رمضان 12](#_Toc456607699)

[ویژگی‌های حضرت خدیجه(س) 13](#_Toc456607700)

[زنده نگه داشتن پیام نورانی بزرگان مهم‌ترین یاد از اولیاء الهی 13](#_Toc456607701)

[خدیجه در نگاه حضرت رسول(ص) 13](#_Toc456607702)

[روز سالمندان 14](#_Toc456607703)

[جایگاه سالمندان از نگاه اسلام 14](#_Toc456607704)

[وظایف بزرگان در قبال کوچک‌ترها 14](#_Toc456607705)

[راه‌کارها، در قبال بزرگان و کودکان 15](#_Toc456607706)

[جشن پیروزی حزب الله لبنان 15](#_Toc456607707)

[انقلاب اسلامی و انقلاب‌های کوچک در دنیای اسلام 15](#_Toc456607708)

[دعا 16](#_Toc456607709)

# خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمۀ الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ** (**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نماز گزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی و اخلاص در اعمال و عزاداری و سوگواری سالار شهیدان سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا تو را به مقربان درگاهت و به سالار شهیدان سوگند می‌دهیم، همه‌ی ما را از بندگان پارسا و شاکر و ذاکر خود مقرر بفرما.

## تفسیر سوره‌ی عصر

بحث ما در مباحث تفسیری سوره‌ی عصر بود.

## خواندن سوره‌ی عصر هنگام ملاقات یکدیگر در زمان پیامبر اسلام

در فضیلت و جایگاه و عظمت و ارزش این سوره مباحثی مطرح کردیم و نقطه‌ی اوج و بلند این سوره، در آن داستان نهفته بود که یکی از صحابه‌ی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) نقل می‌کردند در میان اصحاب در زمان پیامبر بزرگوار اسلام رسم بود که هرگاه به هم دیگر می‌رسیدند، سوره‌ی عصر را تلاوت می‌کردند. این یک ادب و رسم برخورد و مواجهه اصحاب، در زمان پیامبر بود. پیامی در این سوره است که به خاطر آن، رسم بود که هر دو نفری که در زمان پیامبر به هم می‌رسیدند یکی برای دیگری سوره‌ی عصر را می‌خواند. این قدر این سوره برجسته و مشهور و جا افتاده بود و پیام مهمی داشت که اصحاب که به هم می‌رسیدند ادبشان این بود که این سوره را بخوانند. علت آن هم در **(وَ تَوَاصَوْاْ بِالْحَقّ‏ وَ تَوَاصَوْاْ بِالصَّبر)** [[4]](#footnote-4)نهفته است. در حقیقت هر دو نفر یا چند نفری که از صحابه‌ی پیامبر به هم می‌رسیدند به جای اینکه همدیگر را به نیکی‌ها دعوت کنند، این سوره را می‌خواندند. خواندن این سوره، پرچم هدایتی بود که هر کسی بلند می‌کرد و راه نشان دادنی بود که با این سوره انجام می‌گرفت. چون بعد صحبت خواهیم کرد که در جامعه‌ی اسلامی همه باید یکدیگر را به حق و واقعیت‌ها سفارش کنند. خواندن این سوره انسان‌ها را به یاد این پیام مهم می‌انداخت. این یکی از جمله نکاتی بود که در فضیلت این سوره بود.

## انواع قسم‌ها در قرآن

این سوره‌ی کوتاه با یک قسم و سوگند آغاز می‌شود. خداوند در مواردی برای تأکید یک مسئله، قسم خورده است. برای اینکه خوب یک مطلبی را جا بیندازد و ذهن‌ها و نظرها را به آن جلب کند، قسم می‌خورد. خداوند به اقسام مطالب، از پدیده‌های تکوینی و حقایق عالم طبیعی تا پدیده‌های معنوی و الهی و ملکوتی و غیبی سوگند یاد کرده است. انواع امور هست که در قسم‌های خدا مطرح شده است. یکی از قسم‌های خدا هم، زمان است. خداوند به خاطر مهم بودن زمان، به قطعاتی از آن قسم خورده است. زمان سرمایه‌ی اصلی حیات انسان است.

## احتمالات در معنای کلمه‌ی عصر

گفتیم که کلمه‌ی عصر، هفت، هشت یا پانزده احتمال داشت. احتمال قوی‌تر این بود که عصر یک قسمتی از زمان، در شبانه روز است یا کل زمان و روزگار یا اینکه عصرهای مخصوص، مثل عصر بعثت پیامبر(ص) یا عصر ظهور امام زمان(عج). اینها انواع احتمالاتی بود که در معنای عصر آمده بود؛ جمع همه‌ی اینها محتمل است. خدا در واقع قسم می‌خورد هم به آن قطعه از شبانه روز که پسین است؛ هم به روزگار و زمانه، هم به عصر درخشش خورشید اسلام، هم به عصر ظهور حضرت ولی عصر(عج) همه‌ی اینها امور مهمی است و قداست دارد و سرمایه‌ی انسان و مایه‌ی تنبه انسان است. خدا در واقع به همه‌ی اینها قسم می‌خورد تا به ما و شما بفهماند که هم آن قطعه بعد از ظهر که یک قطعه‌ی زمانی است از نشانه‌های الهی و بخشی از سرمایه‌ی انسان است و هم روزگار انسان و عمر بشر، که سرمایه‌ی اصلی ماست و هم به آن زمان‌های ممتاز تاریخ مثل بعثت پیامبر(ص) یا ظهور امام زمان(عج). همه‌ی اینها از جهتی مهم است. خدا به همه‌ی این‌ها قسم می‌خورد. البته یک احتمال هم مطرح بود که مقصود فشار و سختی است. یک قانون در عالم تکوین است و هم سختی‌ها و موانع حرکت و تکامل انسان به انسان فشار می‌آورد و ما را از تکامل باز می‌دارد. ممکن است به آن‌ها هم اشاره شود. در هر حال ظاهر بیشتر این آیه با قرینه‌ی آیات دیگر که به ظهر و فجر و این‌ها هم قسم خورده شده این است که خدا هم به شبانه روز قسم خورده هم به یک قطعه‌هایی از این زمان‌ها. این قسم خداست که قبلا صحبت کردیم.

خدا به سرمایه‌ی عمر انسان قسم می‌خورد که باید با این قسم بزرگ خدا، چشم‌ها بیدار شود؛ حواس‌ها جمع شود که خدا چه می‌خواهد بگوید. با قسم می‌خواهد یک مطلبی را جا بیندازد. خدا می‌گوید: **(إِنَّ الْانسَانَ لَفِى خُسْر)** [[5]](#footnote-5) این یک قانون و قاعده‌ی کلی است که خدا به او قسم یاد کرده است. این سوگند خداست.

## مقصود از انسان در آیه‌ی شریفه

مقصود از انسان در اینجا این انسان یا آن انسان نیست؛ نوع بشر است. البته مصداق بارز این انسان‌ها ابوجهل و ولیدها و کفار و مشرکان عنودی است که زمان پیامبر7 در برابر ایشان ایستادند اما بنابر آنچه که بعضی مفسرین گفته‌اند: مقصود از انسان مثلا ابوجهل و ولید است. سران جبهه کفر و شرکی است که در برابر رسول خدا مقاومت کردند. اما این را نمی‌توان تفسیر آیه دانست. این مصداقی از این سوره است. اصل معنا، معنای کلی انسان یعنی نوع و جنس و طبیعت بشر و بنی آدم، هرجایی که باشد، است. خدا یک مهری به پیشانی همه‌ی انسان‌ها چسبانده است و فقط یک استثناء دنبال آن قرار داده. سوگند به زمانه و روزگار که انسان در خسران و نقصان و زیان است.

## تاکیدهای پشت سر هم در آیه

در اینجا هم به قسم تأکید شده **(وَ الْعَصْر)** [[6]](#footnote-6) که قسم به عصر خورده شده، مقسوم علیه **(إِنَّ الْانسَانَ لَفِى خُسْر)** است. آن چیزی که قسم بر او خورده شده، مقسوم له، **(إِنَّ الْانسَانَ لَفِى خُسْر)** است. هم قسم خورده و هم انّ که واژه‌ی تأکید است و هم جمله‌ی خبریه است هم لام در **(لَفِى خُسْر)** آمده است. از لحاظ ادبی هر کدام از اینها تأکید دارد. قسم، ان، جمله‌ی خبریه، لام در **(لَفِى خُسْر)** و همین طور بعضی از نکاتی که در سوره است و **الْانسَانَ** هم بر روی جنس و طبیعت بشر آمده است. خیلی مطلب مهمی است. خدا با این پنج شش نوع تأکید و اصرار، می‌فرماید: انسان در زیان و تبهکاری است. انسان در تباهی و زیان و نقصان است.

## یک روش تربیتی

همه‌ی انسان‌ها جز یک گروهی که بعد درباره‌ی آن‌ها صحبت خواهیم کرد. همین که این را می‌گوییم، باید همه بیدار شوند. این مثل این است که معلم در روز آغاز درس و کلاس می‌گوید: بچه‌ها همه‌ی شما مردودید. همه‌ی شما ضعیفید مگر کسانی که از همین امروز قلم و کاغذ به دست بگیرند و با همت و اهتمام بلند، به تحصیل بپردازند. این یک روش تربیتی است. ما برای اینکه آدم‌ها را بیدار کنیم اول یک زنگ خطر و آژیر خطر عمومی به صدا در می‌آید. وقتی که احتمال حمله‌ی دشمن وجود دارد، آژیر که به صدا درآمد یعنی این که همه‌ی شما در زیانید؛ همه‌ی شما در معرض بمباران هواپیمای دشمن هستید. این سوره دقیقا یک آژیر خطر و هشداری است که به صدا در آمده؛ مثل هشدار روز اول شروع درس و بحث است. مثل آژیرهای خطر هنگام تهاجم هوایی دشمن است. خدا به همه‌ی بشر در هر عصر و روزگاری، در هر سرزمین و مکانی بی هیچ قید و استثنایی هر جا که این بشر و بنی آدم است، در هر جا در هر زمان و در هر موقعیت و در هر شرایط، زنگ خطر الهی به صدا درآمده که تو در زیان هستی. عظمت این سوره این است که با پنج شش تأکید، خدا می‌فرماید: همه‌ی انسان‌ها در زیان و نقصان و تباهی و هلاکتند.

## معانی کلمه‌ی خسر

این خسر که به زیان معنا می‌کنیم مطالب مختلفی راجع به آن گفته شده که همه آن‌ها هم به هم بر می‌گردد. بعضی گفته‌اند خسر به معنای خسارت و نقص و کاستی است. بعضی گفته‌اند به معنای هلاکت است. بعضی گفته‌اند به معنای عقوبت و مجازات است. بعضی گفته‌اند به معنای تبعات بی‌ایمانی است. از جمله تبعات بی‌ایمانی این است که انسان دچار انواع اضطراب‌ و وسوسه‌های شیطانی می‌شود؛ اسیر هواهای نفس می‌شود و وقتی که انسان از توحید و خدا فاصله گرفت، اسیر هزار خدای دروغین دیگر می‌شود. اینها همه چیزهایی است که در تفاسیر راجع به خسر گفته شده است. حقیقت این است که همه‌ی اینها درست است.

## حالت‌های سه‌گانه یک معامله

گفته شده خسر به معنای زیانی است که سرمایه را از دست بدهد. زیان است نه عدم سود. کسی اگر با صد تومان وارد یک معامله شود، چند حالت برای او متصور است. سرمایه‌ای گرفته در مغازه یا کشاورزی یا هر تجارت دیگری که وارد می‌شود؛ این سرمایه به یکباره سود می‌دهد. این صد تومان با تلاش و ابتکار شخص مبدل به دویست تومان می‌شود، سودی بهره برده است. این یک صورت است، در مغازه کار و کسب کرد، صد تومانش شد دویست تومان. این سود و نفع می‌شود.

یک حالت این است که تلاش می‌کند و سودی نمی‌برد، صد تومان برای او باقی می‌ماند؛ ولی همان سرمایه باقی می‌ماند، اضافه نمی‌شود. به این می‌گویند عدم نفع. این است که سود نبرده. معمولا به این زیان گفته نمی‌شود. البته گاهی هم زیان می‌گویند ولی این بیشتر عدم النفع است.

حالت سوم این است که وارد تجارت می‌شود؛ صد تومان از کیسه برای کار و کسب و تجارت وسط می‌گذارد و بعد از یک هفته، همه‌ی صد تومان یا قسمتی از آن از کیسه می‌رود. این همان زیان و خسارت می‌شود. گاهی منظور از خسارت عام است هم عدم النفع و هم ضرر را در بر می‌گیرد. این معنای عام خسارت است. ولی گاهی می‌گویند: خسارت به این معنا که از کیسه کم شده، نه تنها سودی نبرده، بلکه از کیسه او هم رفته و سرمایه را از دست داده است.

## مقصود اصلی خسر از حالات سه گانه

در اینجا به احتمال قوی همین معنای خاص خسر و خسارت مقصود است. آن وقت ندای این آیه و هشدار باش این سوره و آژیر خطر خدا، برای انسان‌ها در همه‌ی احوال و ازمنه و امکنه این است که همه‌ی انسان‌ها در زیانند؛ در معرض از دست دادن و از کف دادن سرمایه هستند. البته گاهی هست که انسان سرمایه‌ای را خرج می‌کند سودی که می‌برد عین آن نیست؛ ولی یک چیزی با همان ارزش و یا بالاتر از آن می‌برد. آن خسارت نیست؛ پول می‌دهد؛ سالم می‌شود؛ برای اینکه سلامتی پیدا کند، پول خرج می‌کند. این ضرر و عدم النفع نیست، پولی که خرج کرده و به دکتر و دارو و درمان داده نیتجه آن سلامتی است که نسیب او شده است. این ضرر نیست، سرمایه او تبدیل به کالای بهتری شده. پول می‌دهد نان می‌خرد. عین آن سرمایه نیست؛ ولی عوض آن یک چیز ارزشمندی به دست آورده که خسارت نیست.

خسارت این است که سرمایه‌ای هزینه شود، نه عین آن سرمایه و نه چیزی با ارزش‌تر از آن سرمایه به دست نیاید. با پول در بازار تجارت کرده، نه عین پولش برگشته نه کالایی دستش آمده که همین ارزش را داشته باشد. از اصل سرمایه کم شد و عوض آن هم چیزی به دست انسان نیامد این خسارت می‌شود. این تعابیری که در احادیث آمده که خسارت به معنی نقصان، هلاکت، عقوبت، تبعات بی‌دینی، همه به همین نکته‌ی اصلی بر می‌گردد. خدا با بیان رسا و کلام شیوای خود، آژیر خطر را برای همه‌ی بشر به صدا درآورده، همه‌ی شما در زیانید؛ یعنی همه‌ی شما سرمایه را از دست می‌دهید.

اگر کسی صبح به یک تاجر بگوید: هشیار باش که سرمایه از دست می‌دهی؛ چطور بیدار می‌شود. اگر اول شروع سال تحصیلی به آن‌ها بگوید: هشیار باش که داری همه‌ی آینده‌ات را از بین می‌بری؛ هشیار باش که حمله می‌شود؛ جانت را از دست می‌دهی. چطور آدم بیدار می‌شود. این هشدار خدا از همه‌ی آن‌ها بالاتر است. گوش‌های ناشنوا، قلب‌های پر قساوت و دیده‌های بسته‌ی ما مانع شنیدن این آژیر خطر می‌شد که این ندای الهی را گوش کنیم. خدا می‌گوید همه‌ی شما در معرض از دست دادن سرمایه‌اید. این سرمایه چیست؟

## عمر، مهم‌ترین سرمایه‌ی انسانی

از مهم‌ترین سرمایه‌ها، عمر انسان و حیات انسان است. این همان قرینه‌ای است که دلالت می‌کند که منظور از عصر، زمان است. خداوند برای به صدا در آوردن آژیرهای خطر برای بشر قسم به زمان خورده، برای اینکه زمان، اصل حیات شماست. حیات و اصل وجود و هویت ما در بستر زمان، معنا پیدا می‌کند. عمر انسان اصل حیات انسان است. خداوند به زمانه قسم می‌خورد که اساس وجود و هویت و حیات انسان است. بعد هم می‌گوید: به زمانه قسم که همه‌ی شما زمان را از دست می‌دهید. به زمانه که مظهر آیات خداست، قسم؛ که همه‌ی شما زمان و عمرتان را از دست می‌دهید. اصلا دست ما نیست که یک لحظه زمان را متوقف کنیم. این تجربه‌ی ماست و فلسفی آن هم همین است. گردش و گذر زمان قانون طبیعت است و یک آن نمی‌شود زمان را متوقف کرد یا حداقل روی روال طبیعی نمی‌شود. این که حالا غیر طبیعی آن می‌شود یا نمی‌شود بحث دیگری است. اما روی روال طبیعی زمان و عمر را نمی‌شود متوقف کرد.

## استفاده از عمر برای عبادت الهی

از طرف دیگر اصل سرمایه‌ی ما برای تحصیل کمال و تعالی و رشد وابسته به زمان است. ما از همین زمان باید استفاده کنیم نماز بخوانیم؛ روزه بگیریم؛ اطعام کنیم؛ انفاق کنیم؛ کارهای نیک انجام بدهیم؛ همه‌ی اینها با صرف این سرمایه است. این سوره این چنین می‌گوید: سوگند به زمانه که زمان و عمر شما، دائم در حال کاهش است. این خیلی روشن است. ولی ما از آن غافلیم. همیشه لازم نیست آدم‌های بزرگ حرف‌های تازه بزنند؛ گاهی حرف‌های خیلی آشکاری است. چون از آن غفلت داریم. باید آن را یادآوری کنیم. همیشه این طور نیست که چیزی را که نمی‌دانند را بدانند؛ بلکه گاهی چیزهایی را می‌دانند و از آن غافلند که باید توجه کنند. این حقیقتی است.

## دو اصل بی‌تردید: وابستگی حیات انسانی به زمان و بی‌توقفی زمان

دو مطلب است که هیچ کس تردید در آن ندارد؛ یکی اصل حیات و زندگی ماست که در گرو عمر و زمان است. دوم این که زمان بی هیچ ترمزی در حال پیشرفت است. نمی‌شود آن را متوقف کرد. با سرعت و شتابان کاروان زمان در بستر تاریخ در حال پیشرفت و حرکت است. آدم‌ها هم دارند در این بستر جلو می‌روند. اینکه زمان می‌گذرد، اصل وجود ما هم زمان است. پس اصل وجود ما دارد خلاص می‌شود. عین شمعی هستیم که داریم می‌سوزیم. امر روشنی است ولی غالبا ما از آن غافلیم. پیام این سوره و فریاد رسای این سوره‌ی مبارکه، این است که بشر! تو مثل شمعی هستی که خواهی یا نخواهی رو به خاموشی هستی. یک وقت خردسال هستی و بعد جوان و توانمند، آرام آرام هم این عمر می‌گذرد و زمانه از دست می‌رود. این شمع پر فروغ روشنی که در جوانی به اوج روشنایی رسیده، آرام آرام رو به خاموشی می‌رود. سرمایه‌ی شمع روشنایی اوست. در واقع با روشنایی خود، سرمایه‌ی خود را از دست می‌دهد. زمانه نمی‌ایستد. عالم در گذر است. حیات انسان در حال خاموش شدن است. شمع وجود شما، سرمایه‌ی اساسی حیات ما و شما در حال خاموش شدن است. این کافی نیست که ما را بیدار کند؟ این پیام قشنگ قرآنی کافی نیست که ما را بیدار کند؟

به زمانه قسم که زمان در حال از دست رفتن و عمر شما در حال خاموشی است. شمع وجود شما در حال افول است. همه‌ی شما در این حال هستید. مگر کسی از این بیرون است؟ پس همه‌ی ما داریم سرمایه خرج می‌کنیم؛ یک لحظه اگر غافل باشیم و سرمایه‌ی خود را خرج می‌کنیم، یعنی زیان و شکست؛ یعنی سقوط. یک لحظه اگر از این حقیقت آشکار و مهم انسانی غافل شویم؛ یعنی سقوط. همه‌ی ما آن به آن لحظه به لحظه، سرمایه‌ای را هزینه می‌کنیم.

## هزینه‌ی عمر در راه‌های مختلف

حال این سرمایه کجا هزینه می‌شود؟ چیزی جز این نیست که یا این سرمایه‌ی شما در یک تجارت سودآور با خداوند هزینه خواهد شد **(** **هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى‏ تِجارَةٍ تُنْجيكُمْ مِنْ عَذابٍ أَليم)** [[7]](#footnote-7) یا این سرمایه‌ی وجودتان و سال‌های شما که سرمایه‌ی اصلی وجود شماست، در یک جایی هزینه می‌شود که عیبی ندارد این سرمایه برود، اما تو بمان. روزها گر رفت گو رو باک نیست، تو بمان ای که چون تو پاک نیست. روزها اگر می‌رود عیبی نیست، سرمایه‌ها اگر از کف می‌رود مشکلی ندارد؛ اما به جای آن چیزی بماند.

## معامله‌ی عمر با خدای متعال

اگر شخصیت الهی و منش انسانی و کمال اخلاقی ماند، زیان نکردیم. خیلی سرمایه‌ی مهمی از دست رفت و در بستر زمان، عمر شما تمام شد؛ اما در مقابل سرمایه‌ی از دست رفته، چیز دیگری آمد؛ این زیان نیست؛ این همان تجارتی است که **(تُنْجيكُمْ مِنْ عَذابٍ أَليم)** [[8]](#footnote-8) این همان داد و ستدی است که ما با خدا انجام می‌دهیم. سرمایه‌ی ذی قیمت عمر و حیات و وجودمان را برای خدا هزینه می‌کنی. اوج هزینه کردن سرمایه، عالمان دین و شهیدان راه خدا هستند. شهیدی که جان خود را با خدا معامله می‌کند. عالم پاکی که حیات خود را برای رستگاری و هدایت جامعه مصرف می‌کند. این تجارت سودآور و پر خیر و برکتی است که در انتظار شماست. هر کسی به تناسب خود، تاجر، کاسب، کشاورز و کارگر این‌ها هیچ فرقی نمی‌کند. همه‌ی شما می‌توانید این عمر نقد را در یک تجارت سودآور خدایی هزینه کنید. یا راهتان این است که تجارت خدایی، بیع خدایی می‌شود. همان چیزی که درآیات متعدد آمده است. اگر این نباشد، **(لَفِى خُسْر)** و زیان است. سرمایه‌ی با این ارزش و بها، از دست رفت و چیزی نماند.

## هشدارهای الهی به انسان

حال هشدار خداوند این است، سوگند به زمانه و عصر و روزگار که اصل سرمایه‌ی انسان است، همه‌ی انسان‌ها در یک مسیری قرار گرفته‌اند که این سرمایه را از کف خواهند داد. همه‌ی شما این طور هستید. نتیجه‌ آن می‌شود که سرمایه از دست دادیم و به جای آن چیزی به دست نیامد. سرمایه را در جای بدی استفاده می‌کند که نتیجه آن شیطان و عذاب و عقاب الهی است. این داستان شماست که عمرتان را یا در تجارت خدایی مصرف می‌کنید و عمر شما در ماه رمضان و نماز و عبادت و رسیدگی به مردم و خلق خدا هزینه می‌شود یا اینکه این سرمایه را از دست می‌دهید. نه تنها چیزی به دست نمی‌آورید و سرمایه از دست داده‌اید، بلکه عذاب و عقاب الهی را مشاهده خواهید کرد. خدایا تو را به قرآن و مقربان درگاهت سوگندت می‌دهیم در این ماه، ما را موفق دار که از این خسارت بزرگ اجتناب کنیم. ما را از این زیان و تباهی سرمایه مصون بدار؛ در این ماه ما را موفق به بهره‌مندی از فیض خود و از تجارت بی‌ضرر خودت موفق و مؤید بدار.

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[9]](#footnote-9)**

صدق الله العلی العظیم.

# خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[10]](#footnote-10)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

## آمادگی برای ماه مبارک رمضان

بار دیگر در ماه تقوا، همه‌ی شما و خودم را به تقوا و پارسایی سفارش و دعوت می‌کنم. در ماهی که آن همه فیض و برکت در آن روان است و الطاف بی‌کران خداوند به سمت ما متوجه است، باید بیدارتر و هوشیارتر باشیم. ماهی با آن همه فضیلت‌ها و کرامت‌ها و شرافت‌های بی‌پایان در پیش روی ما و در دسترس ماست. توفیقی یافته‌ایم که بار دیگر خدا ما را بر سر این خوان و مائده نشانده است. به ما اجازه داده‌اند در این مهمانی بزرگ شرکت کنیم.

استفاده‌ی از این مهمانی خیلی شرط و ادب دارد. ماه مواسات، صبر، خدا، عبادت، ربیع قرآن، بهار قرآن، بهار ولایت، بهار یتیمان و مسکینان، این همه شرافت در این ماه جمع شده است که باید تلاش کنیم با بیداری شب، با خواندن قرآن، با عبادت، با رسیدگی به نیازمندان و محرومان، با عمل به وظایف و تکالیف حق این ماه را ادا کنیم. این ماه بر همه‌ی ما و اعضاء و جوارح ما حق دارد. این ماه دستورالعمل جامع خدا، برای کمال و تعالی انسان است. اردوگاه بزرگ الهی و رحمانی برای هدایت بشر است. ما را به این اردوگاه راه دادند.

## مراقبت‌های اخلاقی عملی ویژه‌ی ماه مبارک رمضان

مبادا با بازی و شوخی و بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی از این مکتب بزرگ الهی و مدرسه‌ی عظیم عرفانی، ماه رمضان محروم بمانیم. محروم کسی است که در این ماه بی‌حاصل و بی‌سود باشد، خدایا تو را به اهل رمضان و مقربان بارگاهت قسم می‌دهیم، ما را جزو بهره‌گیران از فیوضات این ماه مقرر بفرما. به ما توفیق درک لیلۀ القدر، عنایت بفرما. اگر بخواهیم به قله‌ی بلند شب‌های قدر و برکات بی‌پایان شب‌های طلایی و پر درخشش خدایی برسیم، از همین آغاز باید برنامه‌ریزی کنیم.

## قرائت قرآن یکی از تعالیم مهم ماه مبارک رمضان

خواندن قرآن، از تعالیم ویژه‌ی این ماه است و شناخت قرآن و فهم معارف قرآن باید در خانه‌ها و مساجد و در هر کوی و برزن ما، تلاوت و انس با قرآن در ماه مبارک رمضان احساس شود. بهار قرآن است. در قرآن برکات فراوانی قرار دارد. حبل الله است، شفاء است؛ فرقان است؛ تبیان است و همه‌ی حقایق عالم در آن نهفته است. همه‌ی راه‌های کمال و رشد و اعتلای ما، در آیه آیه‌ی قرآن قرار دارد. ما باید با انس به آیات قرآن مدارج سعادت را طی کنیم. روز قیامت می‌گویند حدیث مشهوری است نقل شده که به قاریان عامل قرآن می‌گویند: **«اقْرَأْ وَ ارْقَه‏»[[11]](#footnote-11)** بخوان و بالا برو. با خواندن آیه آیه، پله پله از نردبان سعادت بالا برو تا به بام کمال و رشد و تعالی برسی. خواندن آیات قرآن، پله‌های این نردبان سعادت است. ماه رمضان ماه نزول قرآن است. ماهی است که کتب آسمانی غالبا در این ماه نازل شده است. این ماه یک ظرف آماده‌ای است که در آن ملائکه به زمین می‌آیند؛ درهای آسمان باز می‌شود؛ آیه‌های وحی الهی به روی بشر فرستاده می‌شود.

## اعمال ویژه‌ی ماه مبارک رمضان

از همین روست که این ماه را باید ماه قرآن و تلاوت آیات نور و حکمت قرار داد. این از وظایف ماست. با خواندن، قرآن با بیداری سحرگاهان این ماه، بیداری‌ایی که همراه با ابوحمزه‌ی ثمالی و دعای سحر باشد؛ با اشک ریزان و قلب سوزان همراه باشد. در سحرگاهان کالایی که در عالم ملکوت از ما و شما می‌خرند، قلب‌های سوزان، دل‌های مشتاق و چشم‌های اشک بار است. این‌ شما را به کمال می‌رساند، اینها در ماه‌های دیگر نیست. با یک ضریب تصاعدی بی‌حد و اندازه در این ماه، دعا و عبادت و قرآن و شب زند‌ه‌داری، بها پیدا می‌کند. در بازار عالم غیب و ملکوت این کالاهای معنوی از یک درخشش و برتری برخوردار است. باید با سحر ماه رمضان، با ابوحمزه‌ی ثمالی، با دعای سحر، با قرائت قرآن، با خویشتن‌داری، با ترحم بر مسکینان و یتیمان، در بازار و سوق الهی حاضر شویم.

این‌ها شوخی نیست، یک بازار پر رونق الهی در عالم ملکوت برپاست. بندگان خدا، خواب را از چشم بیرون کنید؛ غبارها را بزدایید؛ چشم‌ها را بینا کنید؛ گام‌ها را استوار کنید؛ با قرآن و دعا و عبادت، در بازار پر سود و پر ربح حاضر شوید. اگر بخواهیم از آن خسر خطرناک سوره‌ی عصر رهایی پیدا کنیم، باید در بازار پر سود رمضان کالاهای خوبی را عرضه کنیم. مجاهدت و تلاش کنیم. این ماه پر درخشش رمضان در پیش روی ماست. رسیدن به آن قله‌ی قدر و عید فطر و دریافت آن جوائز عرفانی و الهی و اخروی، ریشه در تلاش امروز ما در همین مسیری است که عرض شد، دارد.

## ویژگی‌های حضرت خدیجه(س)

در ماه مبارک رمضان وفات خدیجه(س) است. یاد این بانوی بزرگ و قهرمان فداکار را که در ماه رمضان اتفاق افتاده، گرامی می‌داریم. بانوان، دختران و مردان ما امروز نیازمند این الگوها هستند. قهرمانانی مثل خدیجه(س) که پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی(ص) طبق نقل این جمله‌ی ماندگار را فرمودند: **«أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقَتْنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ»[[12]](#footnote-12)** کجا قهرمانی مثل خدیجه پیدا می‌شود که در تنهایی و غربت اسلام، آنگاه که همه مرا تکذیب می‌کردند، او ایمان آورد. آنگاه که همه مرا طرد می‌کردند، او پناه داد. زن قهرمانی که سرمایه‌ی خود را در خدمت اسلام و رسالت پیامبر اسلام قرار داد. عفت و پاکدامنی، طهارت نفس، شجاعت، مقاومت و صلابت او زبانزد تاریخ بشریت است. خدیجه، نخستین زنی بود که قهرمانانه تا لحظه‌ای که جان را به جان آفرین تسلیم کرد در کنار پیامبر خدا، ایستادگی کرد. ازدواج پیامبر خدا و خدیجه ازدواجی آسان و ساده و ازدواجی در خدمت آرمان‌های الهی بود. ازدواجی که از مطامع دنیا، از تجملات دنیا دور بود و در خدمت آرمان‌های بزرگ الهی قرار داشت. ازدواج پیامبر و خدیجه، ازدواجی نمونه است. قهرمانی، تلاش و مجاهدت این زن و شوهر برای اسلام و هدایت بشر، الگو و اسوه‌ای برای همه‌ی زنان و مردان قهرمان عالم است.

## زنده نگه داشتن پیام نورانی بزرگان مهم‌ترین یاد از اولیاء الهی

یاد اولیاء الهی اشک ریختن در شهادت و وفات بزرگان دین، آن گاه ارزش تام دارد که با احیاء امر آن‌ها و زنده نگه داشتن پیام نورانی آن‌ها همراه باشد. یاد خدیجه باید ما و بخصوص زنان و دختران ما را بیدار کند. اگر دختران، زنان، دانشجویان و دختران جوان ما، فاطمه و خدیجه(سلام الله علیهما) را بشناسند، قطعا دنبال الگوهای دروغین و مدل‌های پوشالی و راه‌های شیطانی نخواهند رفت؛ بلکه در مسیر فاطمه و خدیجه(سلام الله علیهما) قدم برخواهند داشت.

## خدیجه در نگاه حضرت رسول(ص)

خدیجه آنقدر محبوب پیامبر بود که پیامبر تا پایان عمر، با تمام نیکی از خدیجه یاد می‌کردند. هیچ گاه از او غافل نبودند. گاهی برخی از زنان را به غیرت وا می‌داشت که چقدر او را یاد می‌کنی؟ پیامبر در جواب عایشه که گفت: چیست که از خدیجه این قدر یاد می‌کنی؟ فرمود: آن وقتی که هیچ کس نبود، او در کنار من بود. آن وقتی که همه مرا طرد می‌کردند، او مرا پناه داد؛ آن وقتی که همه دنبال ثروت و سرمایه بودند، او ثروت و سرمایه خود را برای خدا هزینه کرد. کجا مثل خدیجه پیدا می‌شود. این راه را باید زنده نگه داریم. این مدل و الگوی زندگی را باید در جامعه ترویج دهیم و در فرهنگ عمومی جامعه آن را تقویت کنیم.

## روز سالمندان

مناسبت دیگر روز سالمندان است که با پیام‌های ماه مبارک هم ارتباط دارد. یک روزی در دنیا به عنوان روز سالمندان معرفی کردند. این از تعالیم مهم اسلام است. در متن تعالیم اسلام آمده و جزء پیام‌های ماه مبارک رمضان است. همان جا پیامبر خدا می‌فرمایند: « **وَ وَقِّرُوا كِبَارَكُمْ وَ ارْحَمُوا صِغَارَكُم**‏»[[13]](#footnote-13) از تعالیم مخصوص ماه مبارک رمضان، رابطه‌ی نزدیک میان خردسالان و نونهالان با بزرگسالان و به خصوص سالمندان است. از آموزه‌های دینی ما این است که آدم‌هایی که بزرگ‌تر شدند و سن بیشتری دارند، به خصوص اگر به دوره‌ی کهنسالی و واماندگی برسند، باید مورد کمال تکریم و احترام قرار بگیرند. ارزش انسانی و تأکید خداوندی است.

## جایگاه سالمندان از نگاه اسلام

در اسلام انسان‌های بزرگ‌تر دارای احترام هستند و کوچک‌تر در برابر بزرگ‌تر، باید با ادب رفتار کند و از احترام و تکریم غفلت نکند. به خصوص اگر آن بزرگ‌تر، پدر و مادر و نزدیکان باشند؛ به خصوص اگر پدر و مادر باشند و بالاخص اگر به دوره‌ی واماندگی و درماندگی برسند که به همراهی بچه‌ها، جوان‌ها، کوچک‌ترها نیاز دارند. اینجا جزو وظایف قطعی انسان است که احترام و کمک و عون و معاونت خود را از کهنسالان خصوصا پدر و مادر خود دریغ نکنند. رعایت ادب و احترام کوچک‌ترها در برابر بزرگ‌ترها یک امر اخلاقی محسوب می‌شود ولی وقتی که پدر و مادر وارد دوران کهنسالی شوند، اخلاق مبدل به یک وظیفه‌ی قطعی می‌شود. این فرهنگی که در غرب رواج یافته که واماندگان و بازماندگان را به مجرد از پا افتادگی به خانه‌ی سالمندان و معلولان می‌برند، با طبیعت و روح اسلام سازگار نیست؛ مگر در یک شرایط خاص. خانه‌ها باید خانه‌های اسلامی و فرهنگ دینی داشته باشد تا آن جا که پدر و مادر حتی در واماندگی، در اوج احترام و تکریم زندگی کنند. فضای محیط اجتماعی ما باید طوری باشد که کوچک‌ترها بزرگ‌ترها را مورد احترام قرار دهند.

## وظایف بزرگان در قبال کوچک‌ترها

از طرف دیگر بزرگ‌ترها در قبال بچه‌ها وظایف سنگینی دارند. چه در خانه چه در محیط اجتماعی با مهربانی و محبت و عطوفت با آن‌ها رفتار کنند. آن چیزی که امروز به عنوان فاصله‌ی نسل‌ها مطرح شده، همین که چند سالی آدم‌ها با هم فاصله زندگی و عمر دارند، از هم بیگانه می‌شوند و تحمل همدیگر را ندارند. فرزند حاضر نیست بزرگ‌تر خود را تحمل کند. بزرگ‌تر آمادگی ندارد که با خوش اخلاقی و روش درست، با فرزند خود برخورد کند. این موجب فاصله‌ی نسل‌ها می‌شود. موجب آشفتگی‌های اجتماعی می‌شود؛ موجب نابسامانی‌های خانوادگی می‌شود. ما باید این فاصله‌ها را کم کنیم.

## راه‌کارها، در قبال بزرگان و کودکان

راهش راه اخلاقی است. راه این است که بزرگسال مورد تکریم قرار بگیرد. طبق فرموده منقول پیامبر اسلام6 و آموزه‌های دینی و کوچک‌ترها مورد مهربانی بزرگ‌ترها قرار بگیرند. این فضایی است که فاصله‌ها را کم می‌کند؛ روابط عاطفی و صمیمی را تقویت می‌کند. این فضا، فضای انسانی است؛ فضایی می‌شود که در آن انسان‌ها رشد می‌کنند. در آن فضا انسان‌ها سلامت روحی و روانی دارند و از تعالیم اسلام است که باید بر این نکته تأکید کنیم که احترام و اکرام بزرگ‌ترها را باید حفظ کرد و از آموزه‌های ماه مبارک رمضان هم هست.

## جشن پیروزی حزب الله لبنان

در جمعه‌ی گذشته ما شاهد جشن پیروزی حزب الله مقاوم و عزیز و رشیدمان در لبنان بودیم. همه‌ی ما می‌دانیم که آنچه که در لبنان به دست فرزندان اسلام و حزب الله عزیز اتفاق افتاد، نقطه‌ی عطفی در تاریخ خاورمیانه و جهان اسلام بود. این نقطه‌ی عطف درس‌های بزرگی هم به دشمنان اسلام و هم به دوستان مسلمانان در سراسر عالم داد. این نقطه‌ی عطف، نشان داد که ایستادگی و مقاومت، همراه با درایت و تدبیر می‌تواند سرسخت‌ترین و مجهزترین دشمنان خون آشام را تسلیم کند و آن‌ها را خوار و تحقیر کند. این درس را ما از مقاومت سی و سه روزه‌ی حزب الله، در برابر ارتش شکست‌ناپذیر اسرائیل فراگرفتیم. امیدواریم که سران دنیای اسلام، ملت‌های جهان اسلام از این گروه اندک مقاوم و از مسلمانان و پیروان راستین مکتب اهل بیت: درس پایداری و مقاومت بگیرند.

## انقلاب اسلامی و انقلاب‌های کوچک در دنیای اسلام

این پیام انقلاب اسلامی بود که از شما مردم، در سراسر عالم انتشار پیدا کرد. این پایگاه اصلی در ماه رمضان، در نمازهای جمعه و جماعت باید تقویت شود. این ملت باید مسیر علم و دانش، اخلاق و معنویت، پایداری و مقاومت را ادامه دهد. شما ملت سرافراز و پیشتاز و الگویی بودید که همه‌ی هستی خود را در خدمت اسلام و قرآن و آرمان‌های الهی قرار دادید. شهیدان سرافراز شما، مقاومان شما، ایثارگران و جانبازان و آزادگان شما، ترسیم کننده‌ی خط نوینی در عالم امروز بودند. شعاعی از این در لبنان، اسرائیل را زمین‌گیر کرد و دشمنان را به عقب راند. امروز هم ما باید این درس را با درایت با تدبیر با سیاست درست و شجاعت و مقاومت، در کشورمان زنده نگه داریم. ماه رمضان و نمازهای جمعه و جماعت و تعالیم دینی باید این پایگاه‌ها را مستحکم‌تر کند. جوان‌ها را آماده‌تر کند. ما هم مسیر علم و دانش، اخلاق و معنا، پایداری و مقاومت را باید حفاظت کنیم. این کالا در دنیا خریدار دارد. تجربه نشان داده است که سه دهه، یک ملت در برابر بزرگ‌ترین قدرت دنیا ایستاده‌اند و در بحران‌های سخت، دفاع مقدس را تحمل کردند. سختی‌ها را به جان خریدند؛ اما رشیدانه ایستادند. جزای این کار شما این است که خدا به شما توفیق الگو بودن را داده است. این را باید قدر دانست. پایه‌های معرفتی آن را باید تقویت کرد. یکی از شعاع‌های آن هم لبنان است. سخنرانی مجاهد بزرگ سید حسن نصرالله نقطه‌ی عطف دیگر و درخشش دیگری بود که با کمال شجاعت، خط مقاومت را تبلیغ کرد. بیش از یک میلیون جمعیت با همه‌ی خطرهایی که وجود داشت و اعلام کرده بودند اگر سید حسن نصرالله بیاید آن‌جا را می‌زنیم و بمباران می‌کنیم؛ چنین چنان؛ انواع خطرات را ملت لبنان خرید و پای سخنرانی این رهبر فرزانه ایستاد و یک الگوی دیگری را از مقاومت نشان داد. این راهی است که اگر ما آن را طی کنیم، دنیا می‌تواند از شیطان‌ها نجات پیدا کند و امیدواریم خدا به همه‌ی ما توفیق قدم برداشتن در راه خدا و اسلام عنایت بفرماید.

## دعا

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دلهای ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر (عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[14]](#footnote-14)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی عصر، آیه‌ی 3. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی عصر، آیه‌ی 2. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی عصر، آیه‌ی 1. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی صف، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی صف، آیه‌ی 10. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-10)
11. . وسائل الشیعه، ج 6، ص 191. [↑](#footnote-ref-11)
12. . بحار الانوار، ج 43، ص 131. [↑](#footnote-ref-12)
13. . وسائل الشیعه، ج 10، ص 313. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-14)